

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن کریم

دکتر سیمین ولوی*

استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

طاهره تیزغم**

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲۵، تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۳/۱۶)

چکیده

با توجه به اینکه در قرآن کریم آیات بسیاری در قالب قصر بیان شده است، بنابراین انتقال مفهوم قصر در ترجمه‌های قرآن، دارای اهمیت بسیاری است. این پژوهش با بررسی دو ترجمه یکهن (سورآبادی و میبیدی) و شش ترجمه‌ی معاصر (آیتی، الهی قمشه‌ای، انصاری، صفارزاده، فولادوند و مکارم شیرازی) به ارزیابی عملکرد مترجمان مذکور در انتقال مفهوم قصر پرداخته و با ذکر شواهد و تطبیق ترجمه‌ی آیات با شیوه‌های قصر در زبان فارسی، نحوه‌ی ترجمه و بازتاب مفهوم قصر را در این ترجمه‌ها مورد ارزیابی و نقد قرار داده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، علم معانی، قصر، نقد، ترجمه.

*. E-mail: Dr.simin.valavi@gmail.com

** . E-mail: arabic_apm19@yahoo.com

مقدمه

«قصر» یعنی اختصاص و انحصار امری به امر دیگر و نفی آن از غیر او که یکی از پرکاربردترین بحث‌ها در علم معانی محسوب می‌شود و به کارگیری آن در قرآن کریم قابل توجه است، بویژه اینکه برخی از آیات مربوط به توحید، نبوت و معاد با اسلوب قصر بیان شده‌اند. با توجه به اقتضای حال مخاطب، شیوه‌های خاصی از قصر برای بیان کلام الهی در آیات مشاهده می‌شود و از آنجا که مهم‌ترین غرض قصر از بین بردن شک و انکار مخاطب است، لذا کاربرد «نفی و استثناء» که نسبت به بقیه‌ی شیوه‌های قصر؛ مانند تقدیم ما حقّه التأخیر و إنّما، بیشتر در برابر مخاطب منکر می‌باشد، در ۵۰۶ آیه به کار رفته است. بنابراین توجه به شیوه‌های انتقال این مفهوم از زبان عربی به زبان فارسی و استفاده‌ی صحیح و بجا از واژه‌ها و راه‌های قصر در ترجمه، به منظور حفظ سیاق و اغراض آیات اهمیت ویژه‌ای دارد.

پیشینه‌ی تحقیق

هرچند نقد ترجمه‌های قرآن از مترجمان فارسی‌زبان در سایت‌های مختلف قرآنی و نشریه‌ی ترجمان وحی بسیار دیده می‌شود، اما این نقدها عموماً به بررسی ترجمه‌ها از دیدگاه صرف و نحو و ترجمه‌ی واژه‌های قرآنی و ساختار جمله پرداخته‌اند که در سایت نورمگز (noormags) قابل دسترسی می‌باشد، ولی تاکنون نقد ترجمه‌ی قرآن کریم از دیدگاه بلاغی در مبحث قصر، به شیوه‌ی حاضر، یعنی بررسی بازتاب «قصر» در ترجمه‌ها از نظر شیوه‌های ارائه شده در کتاب‌های بلاغی زبان فارسی و توجه به سیاق و رعایت نظم کلام در ترجمه‌ها و بررسی دقت‌گزینش عبارات فارسی، به منظور انتقال مفهوم قصر در آیات قرآن کریم انجام نگرفته است.

در این پژوهش ابتدا تعریف «قصر» و انواع آن و شیوه‌های ارائه شده توسط علمای بلاغت برای انتقال مفهوم قصر در هر دو زبان عربی و فارسی ذکر شده است و پس از بیان موارد مشابه و متفاوت «قصر» در هر دو زبان، نمونه‌هایی از آیات قصر در قرآن کریم با ذکر دو ترجمه‌ی کهن و ترجمه‌های معاصر به ترتیب الفبایی آمده است. علاوه بر آن، برای هر یک از روش‌های «قصر» در ترجمه‌های مذکور، آیات دیگری نیز مورد بررسی قرار گرفته است تا از چگونگی انتقال قصر در هر شیوه اطمینان حاصل گردد. در پایان نیز نتیجه‌ی بررسی به شکل جدول ارائه شده است تا بتوان در یک نگاه اجمالی عملکرد مترجمان کهن و معاصر را از نظر دقت و نوع بیان مفهوم قصر مشاهده نمود.

۱- «قصر» در زبان عربی و زبان فارسی

«قصر» یا «حصر» در لغت «کوتاه کردن و حبس کردن» است (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق. ج ۵: ۹۷) و در اصطلاح اهل بلاغت در زبان عربی عبارت است از: «اختصاص دادن امری به امر دیگر به شیوه‌های مخصوص و نفی آن از غیر او» (تفتازانی، ۱۳۸۷: ۳۷۴) و در زبان فارسی عبارت است از «آنکه کسی یا چیزی را به چیزی یا کسی آن چنان ویژه بدارند که از او در نگذرد» (کزازی، ۱۳۷۰: ۱۸۴). بنابراین قصر به دو امر کلی مربوط می‌شود که از آن به عنوان (موصوف و صفت) یاد شده است و صفتی که در مبحث قصر از آن نام برده می‌شود، صفت صرفی و نحوی نیست که از توابع می‌باشد، بلکه منظور از آن صفت معنوی یعنی معنای قائم به غیر است که اعم از صفت نحوی می‌باشد (قزوینی، ۱۹۷۱ق.: ۹۸)؛ مانند «جَاءَ الصَّيْفُ» که «جاء» صفت معنوی برای «الصَّيْفُ» می‌باشد و مراد از موصوف، ذاتی است که آن را در صفتی یا حالتی مقصور می‌کنیم (تفتازانی، ۱۳۸۰: ۹۴). به مقصور و مقصوراً علیه، طرفین قصر، دو طرف قصر یا رکن

اصلی قصر نیز گفته می‌شود. بنابراین هر قصر شامل سه بخش «مقصور»، «مقصورٌ علیه» و «ادات قصر» می‌باشد؛ مانند «مازیدٌ إِلَّا كَاتِبٌ»؛ «زید»: مقصور و موصوف، «إِلَّا»: اادات قصر و «کاتب»: مقصورٌ علیه و صفت.

قصر برای اهدافی چون مبالغه، تأکید، ترغیب، تحقیر، تعظیم و تهدید بکار می‌رود که از میان این اهداف، تأکید و مبالغه مهم‌ترین غرض قصر شمرده می‌شوند (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۷۲).

۱-۱) راه‌های «قصر» در زبان عربی و فارسی

راه‌های قصر در کُتُب بلاغت عربی گوناگون است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نفی و استثناء، اِنْمَا، تقدیم ما حَقَّهُ التَّأخِير و قصر با حروف عطف. از میان این چهار روش، «نفی و استثناء» اصلی‌ترین شیوه‌ی قصر است؛ چرا که راه‌های دیگر با این روش سنجیده می‌شود (ر.ک؛ سکاکی، ۱۴۰۷ق: ۲۸۹). سه روش از این چهار روش در هر دو زبان عربی و فارسی یکسان بیان می‌شود که عبارت است از:

۱-۱-۱) نفی و استثناء: در این نوع از قصر، مقصورٌ علیه بعد از اادات حصر (إِلَّا، غَيْر..) و مقصور، قبل از اادات قرار می‌گیرد (ر.ک؛ همان: ۲۸۹)؛ مانند: «مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ» (مائده/۱۱۷). در زبان فارسی نیز انتقال این روش با آوردن واژه‌ی نفی به همراه واژگان استثناء (جز، مگر و...) در عبارت ذکر می‌شود؛ مانند بیت زیر:

«نیست بر لوحِ دلم جز آلفِ قامت یار

چه کنم حرفِ دگر یاد نداد استادم»

(رجایی، ۱۳۴۰: ۱۲۹)

۱-۱-۲) عطف به «لا، بل، لکن»: در قصر به شیوه‌ی عطف به «لا»، مقصور و مقصورٌ علیه قبل از «لا» می‌آید؛ مانند: «زیدٌ فِي الدَّارِ لَا عَمْرُو» (سکاکی، ۱۴۰۷ق: ۲۹۰)، اَمَّا

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی، طاهره تیزغم ۱۴۹

در عطف به «بل و لکن» مقصورٌ علیه بعد از حروف عطف قرار می‌گیرد؛ مانند: «مَا الْفَخْرُ بِالنَّسَبِ لَكِنَّ بِالْتَّقْوَى». عطف به «لا» در فارسی، عطف به فعل منفی پس از اثبات خوانده شده است؛ مانند بیت زیر از سعدی شیرازی:

«اینکه تو داری قیامت است نه قامت

و این نه تبسم که معجز است و کرامت»

(رجایی، ۱۳۴۰: ۱۲۹)

۳-۱-۱) تقدیم ما حقه التأخیر: در این روش، مقصورٌ علیه مقدم و مقصور را در آخر می‌آورند؛ مانند: «عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا» (سگاک، ۱۴۰۷ق: ۲۹۲). در زبان فارسی نیز این شیوه را «پیش‌آورد آنچه که باید پس آورده شود» می‌گویند؛ مانند مثالی از ناصر خسرو:

«هنرپیشه آن است کز فعل نیک،

سر خویش را تاج خود بر نهد»

(کزآزی، ۱۳۷۰: ۱۹۳)

۴-۱-۱) إِنَّمَا: برای خبر یا حکمی آورده می‌شود که مخاطب منکر آن نیست. در این نوع از قصر بعد از «إِنَّمَا»، مقصور و سپس مقصورٌ علیه ذکر می‌گردد؛ مانند: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر / ۲۸) (سگاک، ۱۴۰۷ق: ۲۹۱).

این روش در زبان فارسی وجود ندارد، ولی برای ترجمه‌ی این شیوه پیشنهادهایی شده است مانند: «واژه‌ی تنها، فقط و منحصرأً» (ر.ک؛ معروف، ۱۳۸۴: ۲۷۴) و واژه‌ی «همانا» (ر.ک؛ طیبیان، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

بعد از روش‌های مذکور که مورد اتفاق همه‌ی علمای بلاغت می‌باشد، موارد دیگری نیز به طور پراکنده در کتاب‌های بلاغت دیده می‌شود که به ترتیب ذکر می‌گردد.

۲-۱) برخی شیوه‌های دیگر «قصر» در زبان عربی و فارسی

۱-۲-۱) ضمیر فصل؛ مانند «أَوْلَيْكَ هُمُ الصَّديقُونَ» (حدید/۱۹) (تفتازانی، ۱۳۸۷: ۳۸۳). در زبان فارسی برای بیان این شیوه‌ی قصر از ضمیر منفصل بعد از مسندئلیه استفاده می‌شود؛ مانند:

«دانش آن است کان دل افروزد

راه رفتن ز خویشست آموزد»

(رضانژاد، ۱۳۶۷: ۱۴۶)

درباره‌ی ضمیر فصل، نویسنده‌ی کتاب «فن ترجمه» می‌گوید: «در ترجمه‌ی این نوع ضمائر، می‌توان از الفاظی مانند «تنها، همان، در حقیقت، حقیقتاً، منحصرأ، در واقع» استفاده نمود» (معروف، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

۱-۲-۲) معرفه بودن مبتدا و خبر به «أَلِ جنس»: مانند «اللَّهُ الصَّمَدُ» (توحید/۲) (تفتازانی، ۱۳۸۷: ۳۸۳) و در زبان فارسی این روش با آوردن ضمیر اشاره (این و آن) قبل از مسندئلیه و مسند در جمله صورت می‌گیرد. همچنین در «دُرُزُالأدب» که قدیمی‌ترین کتاب بلاغت فارسی در علم معانی می‌باشد، برای توضیح این روش، مثال زیر از حافظ آورده شده است:

«آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است

یارب این تأثیر دولت از کدامین کوکب است»

(آق اولی، ۱۳۷۳: ۱۰۸)

۱-۲-۳) ذکر مسندئلیه، مانند «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ» (سیوطی، ۱۳۷۶: ۱۹). در زبان فارسی اشاره‌ی خاصی به این روش نشده است، جز نکته‌ای که جلال‌الدین همایی ذکر کرده است مبنی بر اینکه «گاهی قصر با مکث و تکیه بر روی یک کلمه در جمله به وجود می‌آید؛ مانند «علی، در خانه است. اگر تکیه بر کلمه‌ی علی (مسندئلیه) شود، مقصور می‌باشد» (همایی، ۱۳۷۳: ۱۲۶).

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی، طاهره تیزغم ۱۵۱

۴-۲-۱) تأکید معنوی با نفس و امثال آن؛ مانند «جاءَ زَيْدٌ نَفْسَهُ» (سیوطی، ۱۳۷۶: ۲۰) که در زبان فارسی با آوردن واژه‌ی «خود» بعد از اسم مقصور این معنی حاصل می‌شود؛ مانند «فاطمه خودش آمد». لازم به ذکر است، تعریفی برای این روش در کتاب‌های بلاغت فارسی نیامده است و در برخی از آنها فقط به ذکر نمونه و شرح مثال اکتفا شده است؛ به عنوان مثال بیت زیر از سعدی شیرازی:

«ما را شکایتی ز تو گر هست، هم به تست

در پیش دیگران نتوان گفت حال دوست»

(رضانژاد، ۱۳۶۷: ۲۷۱)

در این مثال، تکرار ضمیر منفصل مفعولی «تو» و تأکید معنوی مصراع دوم که دارای شمول و کلیت است، مفید معنی حصر و اختصاص شده است.

۵-۲-۱) پیش‌آورد مسندئلیه ضمیر؛ مانند «أَنَا قُمتُ» (جرجانی، ۱۳۶۸: ۱۸۱) و در کتب بلاغت فارسی نمونه‌هایی مانند این شیوه دیده می‌شود. مانند بیت زیر از سعدی:

«تویی کاسمان را بر افراختی

زمین را گذرگاه او ساختی

تویی کافریدی ز یک قطره آب

گهرهای روشن‌تر از آفتاب»

(رضانژاد، ۱۳۶۷: ۲۷۱)

علاوه بر موارد ذکر شده از کتاب‌های بلاغی، در کتب دستور زبان فارسی، واژه‌های دیگری برای قصر و حصر دیده می‌شود که عبارتند از: «بس، تا، بعد از، سوای، هر آینه، همانا، همین، ولی، امّا، مخصوص، حقیقتاً» (خطیب رهبر، ۱۳۷۲: ۲۵۷ و ۲۹۱؛ فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۳۶، ۹۹).

۳-۱) انواع قصر به اعتبارات مختلف

از آنجایی که در آیات مورد بحث در این پژوهش به سایر تقسیم‌بندی‌های قصر نیز اشاره شده است، لذا به شرح اجمالی موارد مذکور پرداخته می‌شود. تقسیم‌بندی قصر بر اساس اعتبارات مختلف در کتاب‌های بلاغت عربی و فارسی به یک شیوه بیان شده است و از آنجا که غالباً کتاب‌های بلاغت عربی، منبع و مرجع کتاب‌های بلاغی فارسی است، در این پژوهش برای احتراز از طولانی شدن سخن، به طور مختصر به ذکر موارد آن از کتاب‌های عربی اکتفا می‌شود.

بر اساس دیدگاه‌های اهل بلاغت در هر قصری یکی از این دو حالت وجود دارد: (۱-۳-۱) الف) قصر صفت بر موصوف؛ مثل «لَا يَفُوزُ إِلَّا الْمُجِدُّ». در این مثال صفت موقِّیّت و فوز به انسان کوشا که موصوف و مقصورٌ علیه می‌باشد، تخصیص یافته است. (ب) قصر موصوف بر صفت؛ مانند «ما شوقی إِلَّا شاعرٌ». شوقی مقصور و موصوف است که به صفت شاعری اختصاص یافته است (ر.ک؛ تفتازانی، ۱۳۸۷: ۳۷۵).

۲-۳-۱) قصر به اعتبار مطلق یا نسبی بودن آن

الف) قصر حقیقی:

اختصاص مقصور به مقصورٌ علیه در واقع و نفس‌الامر، به طوری که مقصور به چیزی غیر از مقصورٌ علیه تجاوز نکند. برخی از علمای بلاغت، قصر حقیقی را بر اساس محقق شدن آن، در واقع و حقیقت و عدم تحقق آن، به دو دسته‌ی حقیقی تحقیقی و حقیقی غیر تحقیقی تقسیم کرده‌اند (ر.ک؛ همان: ۳۷۸).

- قصر حقیقی تحقیقی؛ مانند «إِنَّمَا اللَّهُ كَامِلٌ».

- قصر حقیقی غیر تحقیقی (ادّعایی یا مبالغی)؛ مثل «ما شاعرٌ إِلَّا متنبّی».

ب) قصر اضافی (نسبی)

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۵۳

قصر اضافی نیز در کتاب‌های بلاغت چنین تعریف شده است: «تخصیص صفتی به امری به نسبت امر دیگر» (قزوینی، ۱۹۷۱م: ۲۱۳)؛ مانند «ما زیدٌ إِلَّا قائمٌ» که زید منحصر شده در قائم بودن نسبت به قعود، نه مطلق صفات.

۱-۳-۳) قصر به اعتبار اعتقاد مخاطب

مقصود از چنین قصری، از بین بردن اعتقاد نادرست مخاطب و به دست آوردن نظر درست و یا از بین بردن شکی است که مخاطب به آن دچار است» (سگّاکي، ۱۴۰۷م: ۱۳۹، ۱۳۸) و به سه نوع تقسیم می‌شود:

الف) قصر افراد: «افراد به معنی یگانه دانستن است؛ مانند «ما زیدٌ إِلَّا کاتبٌ» در پاسخ به کسی که معتقد است زید هم کاتب است و هم شاعر» (قزوینی، ۱۹۷۱م: ۹۹).

ب) قصر قلب: قلب یعنی وارونه کردن؛ مانند «مَا عَلَيَّ إِلَّا قائمٌ» در جواب کسی که اعتقاد دارد علی نشسته است نه ایستاده (همان: ۹۹).

ج) قصر تعیین: به معنای معین و مشخص کردن است. بر اساس دیدگاه بلاغی‌ها، قصر تعیین اعم از دو قسم قبلی است و در آن هیچ شرطی در مورد تنافی یا عدم تنافی دو صفت یا دو موصوف وجود ندارد (ر.ک؛ همان: ۱۰۰).

۲) نگاهی به بازتاب قصر در ترجمه‌های قرآن کریم

در بررسی به عمل آمده بین دو ترجمه‌ی کهن «ابوبکر عتیق بن محمد سوراآبادی (قرن پنجم)، رشیدالدین میبیدی (قرن ششم) و شش مترجم معاصر «مهدی الهی قمشه‌ای، طاهره صفّار زاده، عبدالمحمد آیتی، محمدمهدی فولادوند، ناصر مکارم شیرازی، مسعود انصاری» نتایج قابل توجهی بدست آمد که بیانگر میزان توجه و اهتمام مترجمان و دقت

در انتخاب اسلوب معین در زبان فارسی و یا تفاوت در انتخاب اسلوب‌های باشد. اینک به ذکر نمونه‌هایی از آیات و ترجمه‌ی آنها به تفکیک روش‌های قصر پرداخته می‌شود.

۲-۱) نمونه‌های قصر با «نفی و إلا» در ترجمه‌ها

چنانکه پیش از این نیز ذکر شد، ۵۰۶ آیه‌ی قصر با روش «نفی و إلا» در قرآن کریم آمده است که حکایت از اهمیّت و جایگاه این اسلوب در بیان احکام الهی دارد. ابتدا به نحوه‌ی ترجمه‌ی دو مورد از این آیات اشاره می‌شود (لازم به ذکر است، در ترجمه‌ی آیات به بخش مربوط به قصر اکتفا شده است، مگر مواردی که بدون ترجمه‌ی قسمت قبل، مفهوم آیه واضح نباشد). سپس روش‌های به کار برده شده در ۲۰ آیه از مترجمان مذکور بیان می‌گردد.

- آیه‌ی ۱) «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (بقره/۹).

قصر ادّعایی، صفت بر موصوف و «يُخَادِعُونَ» برای مبالغه آمده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۹).

- * سورآبادی: و آن دستان نمی‌آرند مگر با تنهای ایشان و آگاهی ندارند.
- * میدی: و فریب نمی‌سازند مگر با خویشان.
- * آیتی: و نمی‌دانند که تنها خود را فریب می‌دهند.
- * الهی قمشه‌ای: آنکه فریب ندهند مگر خود را و این را نمی‌دانند.
- * انصاری: (در حقیقت) جز خودشان را نمی‌فریبند و در نمی‌یابند.
- * صفّارزاده: و حال آنکه تنها خودشان را فریب می‌دهند و نمی‌فهمند.
- * فولادوند: ولی جز بر خویشان نیرنگ نمی‌زنند و نمی‌فهمند.
- * مکارم شیرازی: درحالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند، (اما) نمی‌فهمند.

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۵۵

- آیه ۲) «مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ» (ص / ۷).

قصر ادعایی، موصوف بر صفت.

* سورآبادی: هرگز در این روزگار ما این نشنیده‌ایم و گفته‌اند در دین ترسایی، پس چرا ترسایان این نمی‌گویند که خدای یکی است، نیست اینکه محمد می‌گوید مگر فرا یافته از خود.

* میبیدی: نشنیده‌ایم این سخن، درکش پسینه [که ترسایان دارند]، نیست این مگر دروغی فراساختن.

* آیتی: ما در این آخرین آیین، چنین سخنی نشنیده‌ایم و این جز دروغ هیچ نیست.

* الهی قمش‌های: این را (که دعوی محمد است در توحید و یگانگی خدا) در آخرین ملت (هم که ملت و آیین مسیح است)، نشنیده‌ایم، این جز بافندگی و دروغ چیز دیگری نیست.

* انصاری: این را در آیین اخیر [مسیحیت] نشنیده‌ایم. این جز افترا بی [بیش] نیست.

* صفارزاده: «ما هرگز از دیندارهای سابق چنین حرف‌هایی نشنیدیم. این یک موضوع جعلی است.

* فولادوند: [از طرفی] این [مطلب] را در آیین اخیر [عیسوی هم] نشنیده‌ایم. این [ادعا] جز دروغ‌بافی نیست.

* مکارم شیرازی: ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده‌ایم. این تنها یک آیین ساختگی است.

برای تشخیص اهمیت و دقت نظر مترجمان به امر قصر و بازتاب آن در ترجمه‌ی آیات با «نفی و إلا». ۲۰ آیه‌ی دیگر بررسی شد که عبارت است از: بقره/۳۲، ۷۸، ۹۹؛ آل عمران/۱۱۱، ۱۴۴؛ نساء/۱۴۸؛ یوسف/۴۸؛ انبیاء/۲؛ ذاریات/۴۲، ۵۲، ۵۶؛

نجم/۴، ۲۳، ۲۸، ۳۹، ۵۸ و ۵۸؛ قمر/۵۰؛ رحمن/۳۳ و حدید/۲۲ و نتیجه‌ی زیر بدست آمد:

قصر در آیات مذکور:

* میبدی: هر ۲۰ مورد را با «نیست و مگر» بیان نموده است.

* سورآبادی: ۱۹ مورد را با الفاظ «نیست و مگر» و یک مورد را با «همی» بیان داشته است.

* آیتی: از ۲۰ آیه‌ی مذکور، ۱۵ آیه را با آوردنِ نفی به همراه واژه‌ی «جز» و ۳ مورد را با آوردنِ «نفی و مگر»، ۲ مورد را با آوردنِ واژه‌ی «تنها» بیان کرده است.

* الهی قمشه‌ای: ۱۳ مورد را با آوردنِ نفی به همراه واژه‌ی «جز»، ۵ مورد را با آوردنِ «نفی و مگر»، یک مورد را با آوردنِ واژه‌ی «لیکن» و یک مورد را نیز با آوردنِ واژه‌ی «غیر» بیان کرده است.

* انصاری: ۱۶ مورد را با آوردنِ «جز و نفی»، ۴ مورد را با «نفی و مگر» بیان داشته است.

* صفارزاده: ۸ مورد را با «جز و نفی»، ۲ مورد را با واژه‌ی «تنها»، ۲ مورد را با «نفی و مگر»، ۲ مورد را با واژه‌ی «صرفاً»، ۶ مورد را «بدون ادات قصر» ترجمه نموده است.

* فولادوند: ۱۶ مورد را با آوردنِ «جز و نفی»، ۴ مورد را با «نفی و مگر».

* مکارم شیرازی: ۱۲ مورد را با «جز و نفی»، ۴ مورد را با «نفی و مگر»، ۲ مورد را با واژه‌ی «تنها» و ۲ مورد را با کلمه‌ی «فقط» ترجمه نموده است.

۲-۲) نمونه‌های قصر با حروف عطف در ترجمه‌ها

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۵۷

کاربرد حروف عطف با قصر در قرآن بسیار اندک می‌باشد و ۴ آیه با استناد به تفاسیر استخراج شده است که دو مورد با «بل، لکن» به عنوان نمونه به طور کامل بیان می‌شود.
- آیه ۱) «وَلَوْ أَن قَرَأْتَسُورَتِ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلَّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا» (رعد/۳۱).

در آیه‌ی فوق، «بل» حرف عطف است؛ یعنی: «لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ شَأْنِ الْكُتُبِ بَل لِّلَّهِ أَمْرٌ كُلُّ مُحَدِّثٍ» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۲: ۱۸۷).
در ترجمه‌ها چنین آمده است:

* سورآبادی: بیک خدای راست فرمان به حکم و قضا و تقدیر و هدی و اضلال همه.

* میبدی: بلکه خدای راست فرمان و کار همه.

* آیتی: جز این قرآن نمی‌بود که همه‌ی کارها از آن خداست.

* الهی قمشه‌ای: بلکه فرمان همه‌ی عالم با خداست.

* انصاری: حق این است که (سررشته‌ی) کار همگی به دست خداوند است.

* صفارزاده: همانا (قدرت امر) از آن خداوند است.

* فولادوند: که چنین است بلکه همه‌ی امور بستگی به خدا دارد.

* مکارم شیرازی: ولی همه‌ی کارها در اختیار خداست.

لازم به ذکر است در ترجمه‌ی سورآبادی «بیک» به معنی بلکه می‌باشد و لفظ «بلکه»

در اصل، بیک بوده، سپس به «لیک» تبدیل شده است (دهخدا، بی‌تا، ج ۱۱: ۵۶۷).

- آیه ۲) «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب/۴۰). در این آیه رسول‌الله عطف بر «أَبَا أَحَدٍ» می‌باشد و منصوب است؛ یعنی: «لَكِنَّهُ هُوَ رَسُولُ اللَّهِ» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۵۴۴).

* سورآبادی: نبود ستوده‌ترین خلق پدر هیچ یک از مردان شما بیک پیغامبر خدای بود.

* میبدی: محمد پدر هیچ کس نیست از مردان شما، لکن رسول خداست و مَهر پیغمبران.

* آیتی: محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست. او رسول خدا و خاتم پیامبران است.
 * الهی قمشه‌ای: محمد(ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست، لیکن او رسول خدا و خاتم انبیاست.

* انصاری: محمد پدر هیچ کس از مردان شما نیست، بلکه رسول خدا و خاتم پیامبران است.

* فولادوند: محمد(ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده‌ی خدا و خاتم پیامبران است.

* صفارزاده: محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، او رسول خدا و خاتم پیامبران است.

* مکارم شیرازی: محمد پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست، ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبر است.

علاوه بر آیات فوق‌الذکر، دو آیه‌ی دیگر یعنی «یونس/۱۰۴؛ آل عمران/۶۷» مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه‌ی کلی این ۴ آیه به شرح زیر می‌باشد:

* سورآبادی: هر ۴ مورد را با واژه‌ی «بیک» آورده است.

* میدی: دو واژه‌ی «بلکه و لکن» را برای ترجمه بکار برده است.

* آیتی: یک آیه را با «بلکه» و یک مورد را با «جز» و دو مورد را بدون حرف عطف و ادات قصر ترجمه نموده است.

* الهی قمشه‌ای: هر ۴ مورد را با «بلکه و لیکن».

* انصاری: یک مورد «بلکه» و بقیه را بدون حرف عطف آورده است.

* صفارزاده: یک مورد واژه‌ی «تنها»، یک مورد واژه‌ی «بلکه» و دو مورد را بدون ادات قصر و حرف عطف بیان نموده است.

* فولادوند: هر ۴ آیه را با «بلکه و ولی» آورده است.

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۵۹

* مکارم شیرزای: برای هر ۴ آیه واژه‌های «ولی، بلکه، تنها» را به کار برده است.

۲-۳) نمونه‌های قصر با «إِنَّمَا» در ترجمه‌ها

«إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ...» (نساء/۱۷۱).

قصر اضافی، موصوف بر صفت، عیسی مقصور شده بر رسالت، کلمه، روح (رک؛ ابن-عاشور، بی تا، ج ۴: ۳۳۸).

* سورآبادی: به درستی که آن پلاس‌پوش گردنده در جهان پسر مریم بود نه پسر خدای، پیغمبر خدای بود نه هنباز خدای و سخن او بود.

* میبیدی: عیسی پسر مریم، رسول خدا است [و موجود آورده] سخن وی.

* آیتی: هر آینه عیسی پسر مریم پیامبر خدا و کلمه‌ی او بود.

* الهی قمشه‌ای: حق مسیح عیسی بن مریم جز این نشاید گفت که او رسول خداست و کلمه‌ی الهی است.

* انصاری: جز این نیست که مسیح، عیسی بن مریم رسول خدا و کلمه‌ی اوست.

* صفارزاده: همانا عیسی مسیح پسر مریم پیامبر خدا و مخلوق کلام امر خداست.

* فولادوند: مسیح، عیسی بن مریم، فقط پیامبر خدا و کلمه‌ی اوست.

* مکارم شیرازی: مسیح، عیسی بن مریم، فقط فرستاده‌ی خدا و کلمه و (مخلوق) اوست.

از میان آیات قصر با «إِنَّمَا» ۱۰ آیه‌ی دیگر از مترجمان مذکور مورد بررسی قرار گرفت که عبارت هستند از: (مائده/۹۰، انعام/۱۰۹، انفال/۲، توبه/۶۰، یونس/۲۰، عنکبوت/۵۰، حجرات/۱۰، محمد/۳۶، ملک/۲۶، طور/۱۶) و نتیجه به شرح زیر می‌باشد:

* سورآبادی: در ترجمه‌ی ۸ آیه از عبارتهای «به درستی که و بس» استفاده شده است و در ۲ مورد (عنکبوت/۵۰ و یونس/۲۰) افاده‌ی قصر از مضمون کلام حاصل می‌شود.

* میبیدی: در تمام آیات بررسی شده، انعکاس مفهوم قصر وجود ندارد.

* آیتی: ۴ آیه به وسیله‌ی کاربرد واژه‌های (هر آینه) و (جز) و ۶ آیه بدون روش قصر.

* الهی قمشه‌ای: در ۷ مورد عبارات «جز، منحصرأً، بس، به حقیقت، تنها» به کار برده است و آیات (انعام/۱۰۹، انفال/۲ و مائده/۹۰) بدون اسلوب قصر بیان شده است.

* انصاری: از عبارات «جز، فقط، تنها» در هر ده مورد بکار برده است.

* صفارزاده: در ۶ آیه از «همانا، تنها، مخصوص» و آیات (نساء/۱۷۱، انعام/۱۰۹، انفال/۲ و حجرات/۱۰) بدون اسلوب قصر می‌باشد.

* فولادوند: در هر ده آیه از «فقط، تنها، در حقیقت، بیش نیست» استفاده نموده است.

* مکارم شیرازی: در هر ده آیه از «فقط، تنها، مخصوص» برای ترجمه بهره گرفته است.

۲-۴) نمونه‌های قصر با ضمیر فصل در ترجمه‌ها

«أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ» (بقره/۱۲).

قصر ادعایی، صفت بر موصوف (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۸۲: ۱).

* سورآبادی: بدان که ایشانند ایشان تبهکارانند.

* میبیدی: به درستی که ایشان آنند که تباهکارانند.

* آیتی: آگاه باشید که اینان خود تبهکارانند.

* الهی قمشه‌ای: آگاه باشید آنها خود مفسدند.

* انصاری: بدان که آنان تبهکارند.

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۶۱

* صفّارزاده: (ای مؤمنان!) آگاه باشید که اینان بواقع فتنه‌گر و تبه‌کارند.

* فولادوند: به هوش باشید که آنان فسادگرانند.

* مکارم شیرازی: آگاه باشید! اینها همان مفسدانند.

این نوع قصر در ۱۰ آیه‌ی (بقره / ۵، ۲۷، ۳۷، ۱۲۱ و ۱۵۷؛ مائده / ۱۷، ۷۶؛ توبه / ۷۲ و

نجم / ۴۳ و ۴۴) مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه به شرح زیر می‌باشد:

* سورآبادی: در آیات مذکور واژه‌های «ایشان»، «آن» و «او» را بعد از مسندئلیه

آورده است.

* میبیدی: گاهی به صورت تقدیم مسند و گاهی با آوردن واژه‌ی «آن» بعد از

مسندئلیه.

* آیتی: در آیه‌ی ۱۷ از سوره‌ی مائده از کلمه‌ی «همانا» و ۵ و ۱۲ از سوره‌ی مبارکه-

ی بقره از واژه‌ی «خود» استفاده نموده است، ولی بقیه‌ی آیات بدون ادات قصر بیان شده

است.

* الهی قمشه‌ای: در ۹ مورد عبارات «خود، به حقیقت، همان» بکار برده است و

(بقره / ۳۷) بدون قصر بیان شده است.

* انصاری: «بی‌گمان، همان، هم» ۶ مورد با «که» تأکید.

* صفّارزاده: «همان، به واقع، به طور مسلّم، واقعی و ضمیر اشاره‌ی «آن» را بکار

برده است و دو مورد نیز بدون قصر می‌باشد.

* فولادوند: ترجمه‌ی ۹ مورد با کلمات «هم، همان، تقدیم مسند» و یک مورد

(بقره / ۱۲) بدون واژه‌ی قصر می‌باشد.

* مکارم شیرازی: دو مورد با واژه‌ی «همان» و ۸ مورد بدون طرق قصر ترجمه شده

است.

(۲-۵) نمونه‌های قصر با «تقدیم ما حقّه التّأخیر» در ترجمه‌ها

بعد از ذکر دو آیه و ترجمه‌ی آنها به طور کامل در ۲۰ آیه‌ی دیگر روش‌های بکار رفته شده، بیان گردیده است.

- آیه‌ی ۱) «وَ هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (قصص / ۷۰).

قصر حقیقی صفت بر موصوف، با توجه به اینکه حمد و حکم در آخرت مخصوص خداست، اما در دنیا برای غیر خدا نیز می‌باشد (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۰: ۹۸).

* سورآبادی: او راست و او را سزد سپاس و آزادی در این جهان و در آن جهان، و او را رسد قضا و فرمان و خدایی و با وی گردانند همه را که آفریده‌ی اویند و در حکم و فرمان اویند و همه را بازگشتن باز اوست.

* میبیدی: او راست سزاواری و نامی به خدایی در این جهان و در آن جهان و او راست کار برگزاردن و نهاد نهادن و کار راندن و همه را می با او خواهندبرد.

* آیتی: ستایش خاص اوست، چه در این جهان و چه در جهان دیگر و فرمان فرمان اوست. و همگان به او بازگردانده می‌شوید.

* الهی قمشه‌ای: هم ستایش در اول و آخر عالم (در این جهان و آن جهان) مخصوص او، هم حکم و سلطنت جهان با او و هم رجوع شما به سوی اوست.

* انصاری: و اوست خدا. هیچ معبود [راستینی] جز او نیست. ستایش در دنیا و آخرت او راست. و فرمانروایی از آن اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوید.

* صفارزاده: شکر و ثنای بندگان از آغاز تا پایان، در این جهان و در جهان دیگر خاص ذات اقدس اوست. حاکمیت مطلق از آن اوست و شما مردم همه به سوی او باز گردانده می‌شوید.

* فولادوند: در این [سرای] نخستین و در آخرت، ستایش از آن اوست، و فرمان او راست و به سوی او بازگردانیده می‌شوید.

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۶۳

* مکارم شیرازی: ستایش برای اوست در این جهان و در جهان دیگر حاکمیت (نیز) از آن اوست و همه‌ی شما به سوی او بازگردانده می‌شوید.
- آیه‌ی ۲) «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»
(آل عمران/۱۰۹).

قصر حقیقی، صفت بر موصوف

* سورآبادی: خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است بر آن سه معنی که گفته آمد، و با خدا گردد کارها، که همه با او درست باید کرد روز قیامت و همه به قضا و تقدیر اوست.

* میبدی: و خدای راست هر چه در آسمان و هر چه در زمین.

* آیتی: از آن خداست هر چه در آسمانها و زمین است و کارها بدو بازگردانیده شود.

* الهی قمشه‌ای: و هر آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه مُلک خداست و بازگشت همه‌ی امور (و موجودات) به سوی اوست.

* انصاری: و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداوند است و کارها به خداوند بازگردانده می‌شود.

* صفارزاده: آنچه در آسمانها و زمین است به خداوند تعلق دارد و ارجاع همه‌ی امور به سوی ذات اقدس اوست.

* فولادوند: و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست، و [همه‌ی] کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود.

* مکارم شیرازی: و (چگونه ممکن است خدا ستم کند؟! درحالی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، مال اوست و همه‌ی کارها به سوی او باز می‌گردد (و به فرمان اوست).

این نوع از قصر در ۲۰ آیه‌ی «بقره/۲۸، ۱۱۵، ۲۰۳ و ۲۴۵؛ انعام/۳۶؛ یونس/۴؛ آل عمران/۱۸۹؛ نحل/۵۲؛ طه/۶؛ انبیا/۱۹؛ حج/۶۴؛ نجم/۲۴، ۳۱، ۴۲ و ۴۷؛ رحمن/۲۴؛ حدید/۲، ۵ و ۱۰) مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه به شرح زیر می‌باشد.

* سورآبادی: از عبارات «خدا راست، او راست، به اوی برند» اغلب در اوّل جمله به کار برده است.

* میبیدی: «با اوست بازگشت، او راست، خدای راست» در ابتدای جمله استفاده نموده است.

* آیتی: «همه به سوی او، خاصّ اوست، از آن خداست» در متن جمله به کار برده است.

* الهی قمشه‌ای: «همه به سوی خداست، همه مُلک خداست».

* انصاری: «به سوی اوست، از آن اوست».

* صفّارزاده: از عبارات «به سوی اوست، از آن خداست، متعلّق به اوست، تعلق دارد».

* فولادوند: «به سوی او، از آن اوست، برای اوست».

* مکارم شیرازی: «مال اوست، به سوی او، از آن اوست».

(۲-۶) نمونه‌های قصر با «تقدیم مسندئلیه بر مسند فعلی» در ترجمه‌ها:

«نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (انعام/۱۵۱).

در این آیه، مسند فعلی بعد از مسندئلیه برای افاده‌ی تخصیص است؛ یعنی: «نحن نرزقکم و ایّاهم لا انتم ترزقون أنفسکم و لا ترزقون أبناءکم» (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۷: ۱۱۹).

* سورآبادی: ما خود شما را روزی دهیم و ایشان را روزی دهیم.

* میبیدی: ما روزی دهیم شما را و ایشان را.

* آیتی: ما به شما و ایشان روزی دهیم.

* الهی قمشه‌ای: ما شما و آنها را روزی می‌دهیم.

* انصاری: ما به شما و آنها روزی می‌دهیم.

* صفارزاده: ما شما و آنها را رزق و روزی می‌دهیم.

* فولادوند: ما شما و آنها را روزی می‌رسانیم.

* مکارم شیرازی: ما شما و آنها را روزی می‌دهیم.

در ترجمه‌ی چنین آیاتی، نثر قدیم با تقدیم مسند بر مفعول و آوردن مسند بلافاصله بعد از مسندِ اَلِیه تأکید را بر انجام فعل، توسط مسندِ اَلِیه بیشتر می‌سازد؛ مانند ترجمه‌ی میبیدی: ما بر تو خوانیم قصه‌ی ایشان... (کهف/۱۳)، اما نثر معاصر چنین امری را لازم نمی‌داند و در ترجمه‌ی (کهف/۱۳) و (زخرف/۳۳) که چنین قصری دیده می‌شود، ترجمه‌های معاصر از اسلوب و نگارش فارسی به ترتیب جایگاه واژه‌ها استفاده نموده‌اند و مسند در انتهای جمله بیان شده است؛ مانند: «ما خبر آنان را به حق بر تو می‌خوانیم» (کهف/۱۳).

۲-۷) نمونه‌های قصر با «معرفه آوردن مسندِ اَلِیه و مسند» در ترجمه‌ها:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدَهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرًا لِلْعَالَمِينَ» (انعام/۹۰).

قصر حقیقی، صفت بر موصوف، تعریف مسند و مسندِ اَلِیه (ابن عاشور، بی تا، ج ۶: ۲۰۵).

* سورآبادی: ایشانند آن کس‌ها که راهنمود ایشان را خدای.

* میبیدی: ایشان آنند که الله راهنمود ایشان را.

* آیتی: اینان کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده است.

* الهی قمشه‌ای: آنها کسانی بودند که خدا خود آنها را هدایت نمود.

* انصاری: اینان (پیامبران) کسانی‌اند که خداوند [آنان را] هدایت کرده است.
 * صفّارزاده: آن [پیامبران پیشین] هدایت‌یافتگان الهی هستند.
 * فولادوند: اینان کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده است.
 * مکارم شیرازی: آنها کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده.
 در ترجمه‌ی چنین آیاتی مانند (بقره/۲۹)، (آل عمران/۶)، (انعام/۶۰ و ۶۵)، (حدید/۴)،
 میبیدی «او آن خداست، او آنست که، اوست که» در ابتدا ذکر نموده است. امّا ترجمه‌ی
 سورآبادی که نسبت به میبیدی نیز از دقت و یکنواختی بیشتری برخوردار است، در
 تمامی این نوع آیات از عبارت «او آن خداست» در ابتدا بهره گرفته و در ترجمه‌ی آیه
 (انعام/۹۰) می‌گوید: «ایشانند آن کس‌ها که راه نمود ایشان را خدای». می‌بینیم
 ضمیر اشاره‌ی «آن» در این آیات به همراه مسندُالیه ذکر می‌گردد و ترجمه‌های معاصر با
 ذکر «اوست که...» یا «او کسی است که...»، «اینان کسانی هستند که...» در ابتدای
 جمله بیان شده‌اند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با دو رویکرد مقدمات قصر و انواع آن و بازتاب مفهوم قصر
 در ترجمه‌های معاصر و قدیم شکل گرفت. ترجمه‌ها با دو هدف مورد ارزیابی قرار
 گرفتند:

- ۱- بازتاب قصر در ترجمه‌ی آیات.
- ۲- شیوه‌ی انتخابی مترجم، در انتقال قصر. برای سهولت درک نتیجه‌ی حاصل شده، به
 دو جدول زیر نگاه می‌کنیم.

عملکرد مترجمان قدیم در بیان قصر

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۶۷

روش قصر مترجم	نفی و الاّ	عطف با: بل و لکن	تقدیم ماحقه التأخیر	إنّما	ضمیر فصل	تعریف دو جزء	تقدیم مسنّدیّه
سورآبادی	نفسی و مگر	بیک	او راست ... با وی برند.	بدرستی که	مسنّدیّه + او، آن، ایشان	مسنّدیّه + آن	مسنّدیّه + مسنّد + مفعول به
میبدی	نفسی و مگر	بل، لکن	او راست... با اوست...	---	تقدیم مسنّد آن راست	مسنّدیّه + آن	مسنّدیّه + مسنّد + مفعول به

عملکرد مترجمان معاصر منتخب در بیان قصر

روش قصر مترجم	نفی و الاّ	عطف با: بل و لکن	تقدیم ما حقّه التأخیر	إنّما	ضمیر فصل	تعریف دو جزء	تقدیم مسنّدیّه
آیتی	جز، مگر، تنها	جز، بلکه، بدون ادات	از آن خدا... خاصّ اوست،	هرآینه، جز این، بدون حصر	همان، خود، بدون حصر	اوست که، اینسان کسانی ...	جمله سلیس فارسی
الهی قمشه - ای	جز، مگر، لیکن، غیر	بلکه، لیکن، تنها	همه ملک خداست، همه به سوی...	بجز، منحصراً، بس، تنها، به حقیقت، بدون حصر	همان، به حقیقت	او خدای است، خدا است، آن‌ها کسانی ...	جمله سلیس فارسی
فولادوند	جز، مگر	بلکه، ولی	از آن اوست، برای اوست، به	فقط، تنها، همان، در حقیقت	همان، اوست... بدون حصر	اوست آن ...، اوست کسی که ...	جمله سلیس فارسی

				سوی ...			
مکارم	جز، مگر، تنها، فقط	ولیی، بلکه، تنها	از آن او، مال او، به سوی او	فقط، تنها، مخصوص، بدون حصر	همان، همین، بدون حصر	او خدای است، خدا است، آن‌ها کسانی...	جمله سلیس فارسی
انصاری	جز، مگر	بلکه، حق این است	از آن او، به سوی او	جز این، تنها، فقط	بی‌گمان، همان، بدون حصر	اوست کسی که، اینان کسانی‌اند	جمله سلیس فارسی
صفارزاده	جز، مگر، تنها، صرفاً، بدون حصر	تنها، بلکه، بدون حصر	از آن خدا، متعلق به او	تنها، همانا، جز، بدون حصر	همان، آن، همین، به واقع، به طور مسلم	آن خالق یگانه‌ای، اوست که...	ما هستیم که

همان‌طور که درجداول فوق مشاهده می‌گردد، مترجمان قدیم برای هر روش قصر در زبان عربی یک روش مشخص در زبان فارسی برگزیده‌اند و تعدد روش‌ها و واژه‌ها در بیان یک نوع از قصر دیده نمی‌شود که با نظم حاکم در نزول آیات قرآن تناسب دارد و در ترجمه‌ی میبیدی، در آیاتی که قصر در آنها به شیوه‌ی «إنما» صورت گرفته، بازتاب مفهوم قصر در هیچ یک از آیات مورد بررسی به چشم نمی‌خورد. لذا با توجه به نظم حاکم بر ترجمه‌ی سوراآبادی (قرن پنجم) می‌توان گفت نسبت به ترجمه‌ی میبیدی از نظر دقت در انتخاب شیوه‌ی بیان قصر از رتبه‌ی بالاتری برخوردار است. اما روشهای به کار گرفته شده و تنوع واژه‌های قصر در ترجمه‌های معاصر بسیار به چشم می‌خورد و تقریباً

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی، طاهره تیزغم ۱۶۹

از اکثر واژه‌های پیشنهادی علمای بلاغت و دستورنویسان زبان فارسی استفاده شده است. هر چند در برخی از آیات، انعکاس قصر و اختصاص به شکل بلاغی دیده نمی‌شود که در متن مقاله به آنها اشاره شده است و از میان این ترجمه‌ها، ترجمه‌ی فولادوند و انصاری، هم از تنوع کمتری در به کارگیری روش‌ها، نسبت به بقیه‌ی ترجمه‌های معاصر برخوردار است. همچنین اکثر آیات قصر بازتاب مفهوم قصر را دارا می‌باشند. ترجمه‌ی صفارزاده نیز گرچه در آیاتی که مفهوم قصر را انتقال داده است از تنوع بیشتری در انتخاب واژه و روش قصر برخوردار است، ولی در ترجمه‌ی برخی از آیات دارای قصر، این مفهوم بازتاب نیافته است. لذا می‌توان گفت در این ترجمه تعداد آیاتی که مفهوم قصر در آنها دیده نمی‌شود، نسبت به دیگر ترجمه‌های مورد بررسی بیشتر است.

با توجه به ارزیابی به عمل آمده می‌توان گفت که بعضی از ترجمه‌های معاصر به لحاظ اهمیت رعایت نکات بلاغی قرآن، نیازمند بازنگری هستند و لازم است مترجمان معاصر نیز همچون مترجمان دوره‌های کهن، دقت بیشتری را در انتقال زیبایی‌های بلاغی قرآن به زبان فارسی مبذول دارند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

آق اولی، حسام العلماء. (۱۳۷۳). *دُرَرُ الْأَدَب*. چاپ سوم. قم: مؤسسه‌ی انتشارات هجرت.

آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴). *ترجمه‌ی قرآن*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سروش.

ابن عاشور، محمدبن طاهر. (بی تا). *التحریروالتنوییر*. بی جا.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.

الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۰). *ترجمه‌ی قرآن*. چاپ دوم. قم: انتشارات فاطمة الزهراء.

- انصاری خوشابر، مسعود. (۱۳۷۳). ترجمه‌ی قرآن. چاپ دوم. قم: دار القرآن الکریم.
- تفتازانی، سعدالدین. (۱۳۸۷). المطول؛ شرح تلخیص المفتاح. چاپ اول. بی‌جا: دارالکوخ.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۳۷۶). الإیتقان فی علوم القرآن. تهران: امیرکبیر.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۴۲۰ق.). دلائل الإعجاز. چاپ سوم. بیروت: دارالکتب العربی.
- خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۷۲). دستور زبان فارسی. تهران: انتشارات مهتاب.
- دهخدا، علی اکبر. (بی‌تا). لغت‌نامه‌ی دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ق.). المفردات فی غریب القرآن الکریم. تحقیق: صفوان عدنان داودی. چاپ اول. دمشق: دارالعلماء لدارالشامیة.
- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۴۰). معالم البلاغة؛ در علم (معانی، بیان، بدیع). چاپ دوم. شیراز: نشر دانشگاه شیراز.
- رضانژاد، غلامحسین. (۱۳۶۷). اصول علم بلاغت در زبان فارسی. چاپ اول. تهران: انتشارات الزهراء.
- زمخشری، جارالله ابوالقاسم محمد بن عمر. (۱۴۲۱ق.). الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. چاپ دوم. بیروت: دار الإحیاء التراث العربی.
- سکاک، ابو یعقوب یوسف بن ابی بکر. (۱۴۰۷ق.). مفتاح العلوم. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- سورآبادی ابوبکر، عتیق بن محمد. (۱۳۸۰). تفسیر سورآبادی. چاپ اول. تهران: فرهنگ نشر نو.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). بیان و معانی. چاپ اول. تهران: انتشارات فردوسی.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۰). ترجمه‌ی قرآن. چاپ دوم. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی جهان رایانه کوثر.

- نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۷۱
-
- طیبیان، سیدحمید. (۱۳۸۸). *برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی*. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۸). *گفتارهایی درباره‌ی دستور زبان فارسی*. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- فولادوند، محمد مهدی. (۱۴۱۵ق.). *ترجمه‌ی قرآن*. چاپ اول. تهران: دارالقرآن الکریم.
- قزوینی، خطیب. (۱۹۷۱م.). *الإيضاح فی علوم البلاغة*. شرح دکتر محمد عبدالمنعم خفاجی. چاپ سوم. بی‌جا: دارالکتاب اللبنانی.
- کزآزی، میرجلال الدین. (۱۳۶۶). *زیباشناسی سخن پارسی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات ماد؛ وابسته به انتشار جاویدان.
- معروف، یحیی. (۱۳۸۰). *فن ترجمه*. چاپ پنجم. تهران: سازمان سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). *ترجمه‌ی قرآن*. چاپ دوم. قم: دارالقرآن الکریم.
- میبدی، رشیدالدین. (۱۳۷۱). *کشف‌الأسرار و عُدَّة‌الأبرار*. تحقیق: علی اصغر حکمت. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- همایی، جلال الدین. (۱۳۷۳). *معانی و بیان*. چاپ دوم. تهران: نشر هما.

